تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط بر آن

سعید گودرزی*

طرح مسئله: *تقابل ارزش‌های فرهنگی غرب با ارزش‌های اسلامی یا به عبارت دیگر تضاد سنت و مدرنیته سر فصل بحران هویت و تغییر ارزش‌ها در جامعهٔ ایران است. با اقدامات رضا شاه، سنت و مدرنیته، ارزش‌های اسلامی ایرانیان رویاروی یکدیگر قرار گرفت و این چالش و جدال نظام، فرهنگ جامعه را دچار تغییر و بحران کرد که تاکنون نیز ادامه دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییر ارزش‌های جوانان (مطالعهٔ موردی جوانان استان همدان) و عوامل مؤثر برآن انجام گرفته است.*

روش: *این تحقیق با روش توصیفی، از نوع پانل گذشته نگر و با استفاده از ابزار پرسش‌نامهٔ محقق ساخته انجام گرفته است. جامعهٔ آماری این تحقیق را جوانان استان همدان در سال ۱۳۸۵تشکیل می‌دادند، که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد۳۸۰ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای محاسبهٔ میزان قابلیت اعتماد سئوالات از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ۰/۸۷ به دست آمد.*

یافته‌ها: *به طورکلی در مورد تغییر ارزش‌ها باید گفت که، ۲۱/۳۲ درصد پاسخ‌گویان تا حدودی ارزش‌هایشان تغییر کرده است. این در حالی است که۲۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان ارزش‌هایشان خیلی کم، ۳۲/۳۷ درصد کم و ۷/۸۹ درصد زیاد تغییر کرده است. همچنین۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان هیچ گونه تغییری در ارزش‌هایشان به وجود نیامده است. در ضمن نتایج نشان می‌دهند که، ۷۶/۳۲درصد پاسخ‌گویان در زمان گذشته التقاطی، ۷/۱۱ درصد فرامادی و ۱۶/۵۸ درصد مادی بوده‌اند. این در حالی است که در زمان حال ۵۵/۷۹ درصد التقاطی، ۳/۶۸ درصد فرامادی و۴۰/۵۳ درصد مادی هستند. بنابراین می‌توان گفت که سنخ ارزشی پاسخگویان از فرامادی به مادی تغییرکرده است.*

نتایج: *نتایج تحقیق نشان می‌دهد تغییر ارزش‌ها با متغیرهای تحصیلات، جنسیت، وضعیت تأهل، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان تقدیرگرایی، میزان فرد گرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گویان و عملکرد مسئولین از دید پاسخ‌گویان رابطهٔ معنادار دارد. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیری نیز بیان‌گر این است که ۰/۴۷ واریانس متغیر تغییر ارزش‌ها به وسیلهٔ متغیرهای مستقل این تحقیق تبیین می‌شوند.*

تغییر ارزش‌های جوانان، معلول شبکهٔ پیچیده‌ای از عوامل روانی ـ اجتماعی است که نیازمند مطالعات تحلیلی بیش‌تر و تقویت نهادهای حمایتی و ارتقای آگاهی جوانان دربارهٔ ارزش‌های سنتی ایرانی و اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: تشتت ارزشی در جامعه، تغییر ارزش‌ها، تقدیرگرایی، جوانان

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۱

* کارشناسی ارشد پژوهش‌گری، دانشگاه پیام نور تویسرکان <sgoodarzi1355@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مقدمه

جوامع مختلف دارای ارزش‌های مختلفی هستند و وجه تمایز جوامع از یکدیگر همین ارزش‌ها، نگرش‌ها و... مردم جوامع است. ارزش‌های کشور ما نیز آمیخته‌ای از ارزش‌های سنتی ایرانی، ارزش‌های اسلامی و... است. از سویی دیگر تغییر و تحول لازمهٔ زندگی است و به همان ترتیب که انسان‌ها با گذشت زمان تغییر می‌کنند، روابط اجتماعی هم تحت تأثیر شرایط گوناگون، به طور دائم دستخوش تغییر و تحول می‌شود. اختلاف تنها در شتاب و سرعت تغییر است. (صانعی، ۱۳۷۲) ایزنشتاد معتقد است که در تمام جوامع انسانی تمایل به تغییر ذاتی است، زیرا این جوامع با مسائلی مواجه هستند که هیچ راه حل دائمی برای آن‌ها وجود ندارد. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اولین مرحله بحران هویت در ایران ناشی از شکست ایرانیان از غرب توسعه یافته و سرخوردگی از هویت خودی است، لیکن این بحران از زمان رضا شاه با اتخاذ ارزش‌های غربی در مدرنیزه کردن اجباری کشور صورتی جدی به خود گرفته است. تقابل ارزش‌های فرهنگی غرب با ارزش‌های اساسی فرهنگ و تمدن ایرانی، یا به روایت معمول تضاد سنت و مدرنیته، سرفصل بحران هویت در جامعهٔ ایران است. با اقدامات رضا شاه، سنت و مدرنیزم، ارزش‌های غربی و ارزش‌های اسلامی ایرانیان رویاروی یکدیگر قرار گرفت و این جدال و چالش، نظام فرهنگی جامعه را دچار بحران اساسی کرد و این بحران با ابعاد وسیع‌تر تا امروز جریان یافته است. در نتیجهٔ اقدامات او (محمدرضا شاه) و پدرش در مخالفت اساسی با ارزش‌های دینی به عنوان بخش لاینفک هویت ایرانی بود که انقلاب اسلامی با سبقهٔ دینی در ایران ظهور کرد. در این انقلاب، ایرانیان با تأکید زیاد بر بخش مغفول ماندهٔ هویت خویش، یعنی مذهب شیعه، تحولات فرهنگی را آغاز کردند. (معیدفر، ۱۳۷۹) در جریان انقلاب اسلامی نظام فرهنگی جامعه به سرعت دگرگون گردید، قیافه‌های ظاهری بدون دستور از بالا به صورت درونی تغییر یافت، لباس خانم‌ها و آقایان تغییر یافت، جلسات قرآن معمول شد، جوانان به سوی حوزه‌های علمیه هجوم آوردند و استفاده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

از کلمات خارجی کم شد. در سیر شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارها، جنگ ایران و عراق نقش عمده‌ای ایفا کرد. در طول دوران جنگ، مردم و به خصوص جوانان برای مقابله با دشمن بسیج و به جبهه روانه شدند. در جبهه‌ها یک فرایند همبستگی و انسجام اجتماعی و دگرگونی عمیق ارزش‌ها روی داد و مفاهیمی که دارای بار فرهنگی وسیعی بودند از قبیل ایثار، شهادت، انفاق، از خود گذشتگی و... در این دوران به شدت رواج یافتند. از سال ۱۳٦۸ با پایان یافتن جنگ، دوران سازندگی آغاز گردید. در این دوره با دگرگونی‌های فرهنگی مواجه می‌شویم که در طول دوران انقلاب اسلامی و سال‌های جنگ شکل گرفته بودند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸) در این دوران (از سال ۱۳٦۸ به بعد) الگوهای مصرف تغییر یافت، نابرابری‌های اجتماعی افزایش پیدا کرد و جمعیت شهرنشین رشد بیش‌تری یافت، الگوهای مرجع جوانان تغییر پیدا کرد و نوع پوشش، آرایش و حجاب دچار تحول گردید. برگزاری مجالس خلاف ارزش‌های اجتماعی، رواج استفاده از پوشاک‌های نامناسب با نشانه‌های گوناگون که چه بسا استفاده کنندگان آن نیز معنای آن را نمی‌دانستند، شیوع روابط خلاف اخلاق، تضعیف روابط خانوادگی، مسئلهٔ ماهواره، عدم رعایت پوشش اسلامی از نشانه‌های وجود چنین وضعیتی است. (همان) با توجه به مطالبی که گفته شد تغییر ارزش‌ها مخصوصاً تغییر ارزش‌های جوانان یکی از معضلات جامعهٔ کنونی ما است. بدین ترتیب مقالهٔ حاضر قصد دارد که به بررسی اجمالی علل تغییر ارزش‌های جوانان بپردازد.

پیشینهٔ مطالعه

تحقیقات داخلی

تحقیقی تحت عنوان «وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی» توسط فرامرز رفیع پور انجام پذیرفته است. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتوا بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بین فیلم‌های تحلیل شده، یک روند تغییر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

ارزش‌ها از سال ۱۳٦۰ و ۱۳٦۵ به سال ۱۳۷۰ و ۷۲ به چشم می‌خورد. در پرفروش‌ترین فیلم‌های سال ۱۳٦۰ و ۱۳٦۵ ارزش‌های ملی ـ مذهبی ـ انقلابی متشعشع می‌شوند و در پر فروش‌ترین فیلم‌های سال ۱۳۷۰، ارزش‌های مادی، ثروت، نابرابری و سودجویی به عنوان یک ارزش مثبت و روحیهٔ مصرف گرایی اشاعه داده می‌شود. همچنین سریال‌های سال ٦۵ در جهت ترویج و تثبیت ارزش‌های انقلابی، مذهبی، کاهش نابرابری، وحدت و انسجام مردم بوده‌اند. در صورتی که سریال‌های تحلیل شدهٔ سال ۱۳۷۰ به بعد که در عین حال پربیننده‌ترین نیز بوده‌اند، ارزش‌های مادی و نابرابری را رواج داده‌اند. در ضمن نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که: اولاً، آزادسازی ویدئو و تأسیس ویدئو کلوپ‌ها به جای گسترش ارزش‌های اسلامی ـ انقلابی، موجب گسترش فیلم‌های خارجی و به همراه آن ارزش‌های نهفته در آن فیلم‌های خارجی شده است. ثانیاً، ورود ویدیو در خانواده‌ها ارزش‌های آنان را دگرگون کرده است و اکثر کسانی که دارای ویدیو بوده‌اند، به تدریج از گرایش و پایبندی‌های مذهبی شان کاسته شده است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۵)

تحقیق دیگر، تحقیقی است که توسط عباس عبدی و محسن گودرزی با عنوان «تحولات فرهنگی در ایران» به روش تحلیل ثانویه در سال ۱۳۷۸ انجام پذیرفته است. این تحقیق در چهار بخش «فرهنگ عمومی»، «شکاف میان نخبگان و توده»، «تجزیهٔ فرهنگی» و «رضایت از زندگی» انجام شده است. نتایج بخش فرهنگ عمومی نشان می‌دهد که افزایش موافقت با دیدگاه‌های برابری جویانه میان زن و مرد در تصمیم‌گیری، شغل و حقوق و نیز دموکراتیزه شدن و حذف خشونت می‌باشد. فرآیند کالایی شدن اوقات فراغت نیز در حال رشد است. یافته‌ها همچنین نشان دهندهٔ این هستند که استفاده از وسایل ارتباطی جمعی مثل تلویزیون و نیز مطالعه و معاشرت‌های انتخابی و ورزش و امور فرهنگی مثل سینما و دیدار از نمایشگاه‌ها و موزه‌ها، به مرور افزایش بیش‌تری یافته است. در زمینهٔ باورها نیز یافته‌ها نشان‌گر این هستندکه سیر تحول آن‌ها سریع‌تر از حوزه‌های دیگر است و به صورت عمده، تقدیرگرایی و اعتقاد به شانس و سرنوشت و مواردی از این دسته در حال

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

خارج شدن از حوزهٔ فرهنگ عمومی هستند. در بخش شکاف میان نخبگان و تـودهٔ نتـایج نشان می‌دهد که در زمینهٔ «مسائل مربوط به ازدواج»، بالا رفـتن سـن ازدواج در دخترهـا و پسرها، محصور شدن ازدواج به یک امر شخصی میان زن و مرد، معاشرت بیش‌تـر قبـل از ازدواج و نیز حذف تدریجی ازدواج‌های فامیلی، و در بلند مدت هم کاهش مراسـم متعـدد عروسی و نامزدی و.... قابل تصور محقق است. در زمینهٔ «خانواده» نیز نتایج نشان می‌دهـد که تضعیف پدرسالاری و افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها میان زن و مرد و کم‌تر شدن تعداد فرزندان و هسته‌ای شدن ساخت خانواده در کشور قطعی به نظر می‌رسـد. همچنـین نتایج نشان می‌دهند که تغییر نگرش نسبت بـه زن و جایگـاه و نقـش او در جامعـهٔ آینـده قطعی است و این تغییر به سوی نگرش تساوی طلبانه برای زن و مـرد و نیـز دیـد مثبـت نسبت به اشتغال و تحصیل زن می‌باشد. عقاید و نگرش‌های کلی در دو گروه نخبه و تودهٔ مردم نیز حکایت از بالاتر بودن تقدیرگرایی و اعتقاد به شانس در میـان مـردم مـی‌کنـد. در مقابل گروه تحصیل کرده ضمن تأکید بیش‌تر به کار و کوشـش نـسبت بـه آینـده، نگرانـی بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. مذهب نیز از جمله مواردی است که میان دو گروه تفاوت و شکاف رفتاری قابل ملاحظه‌ای نسبت به آن مشاهده می‌شود. عمدهٔ تفاوت میان دو گروه در زمینهٔ بخش‌های سنتی‌تر مذهب، مثل نـذر و نیـاز یـا روضـه خـوانی اسـت. (عبـدی و گودرزی، ۱۳۷۸)

تحقیقات خارجی

تحقیق دیگر، تحقیقی است که به بررسی تأثیر فرهنگ اسـپانیایی در بـین قبایـل مکزیکـی پرداخته است. جامعهٔ آماری این تحقیق شامل بومیان و لدینوها بود که از ایـن میـان تعـداد ۳۲۱٤ نفر بومی و ۷٦۱ نفر لدینو انتخاب شده‌اند. لدینوها، هر چند که تعداد آن‌ها کم‌تـر از بومیان بود، ولی به علت این که ارتباط بیش‌تری با اسپانیایی‌ها داشتند، کم کـم ارزش‌هـا و هنجارهای فرهنگ اسپانیایی را جذب کردند و به سوی فرهنگ اسـپانیایی گـرایش یافتنـد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

این دو گروه ابتدا تفاوت چندانی با هم نداشتند و بسیار شبیه به یکدیگر بودند. ولی با ادامهٔ سلطهٔ اسپانیایی‌ها، لدینوها که با اسپانیایی‌ها بیش‌تر در ارتباط بودند، تحصیلات بهتری کسب کردند، بیش‌تر به زبان اسپانیایی صحبت کردند، لباس‌های آنان شبیه اسپانیایی‌ها شد، دارای بهداشت و تسهیلات درمانی بهتری شدند، همچنین آن‌ها کم‌تر به سوی کارهای کشاورزی گرایش پیدا کردند. لدینوها که کسب ارزش‌ها و هنجارها و عناصر فرهنگی اسپانیایی در آن‌ها بیش‌تر از بومیان بود، به مرور پیشرفته‌تر شدند. (woods , 1975)

چارچوب نظری

کارل مارکس[1]: مارکس معتقد است که هر جامعه‌ای با زیربنا (ساخت اقتصادی) و روبنا (شامل ایدئولوژی، قانون، سیاست، خانواده و مذهب) مشخص می‌شود. روبنا بر مبنای زیربنا ساخته می‌شود. (لاور، ۱۳۷۳) او معتقد است که هر تغییری که در شالودهٔ اقتصاد روی دهد، باعث تغییرات روبنا می‌شود. به نظر مارکس ارزش‌های فرهنگی اصالت ندارد و صرفاً تابعی از شکل روابط اقتصادی و تولیدی جامعه در یک دورهٔ خاص تاریخی است. نظام حقوقی، مذهب، هنر و ادبیات رایج در جامعه وسیلهٔ اشاعهٔ عقاید و ارزش‌هایی است که برای حفظ امنیت و منافع طبقهٔ حاکم ضرورت دارد. (صانعی، ۱۳۷۲) بنابراین وی ارزش‌ها را تنها مفاهیمی نظری و منتزع قلمداد کرده که توسط طبقهٔ حاکم برای اعتبار بخشیدن و مشروع جلوه دادن امتیازات خاص خود اختراع و تبلیغ گشته‌اند. (جانسون، ۱۳۶۳)

امیل دورکیم[2]: دورکیم می‌گوید: انتقال همبستگی از مکانیکی به ارگانیکی باعث بروز بی‌هنجاری (آنومی)، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی می‌شود. (ستوده، ۱۳۷٤) دورکیم معتقد است که دگرگونی سریع (تغییر سریع جمعیتی، شهرنشینی و...) در جامعه علت اصلی وقوع بی‌هنجاری است. به نظر او با دگرگونی‌های سریع در یک جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای پیشین قدرت خود را در نظام اجتماعی از دست

1. Karl Marx 2. Emile Durkheim

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

می‌دهند. دورکیم شرایط بی‌هنجاری (آنومیک) را شرایط یک جامعهٔ در حال تغییر سریع و تند می‌داند که طی آن ارزش‌ها و هنجارهای پیشین به سستی گراییده و جامعه یک دوران خلاء ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تجربه می‌کند. (معید فر، ۱۳۷۹)

رابرت مرتون: به نظر مرتون هنگامی که ارزش‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار باشند، به طوری که دست‌یابی به این ارزش‌ها به منزلهٔ یک نیاز تلقی شود، ولی امکان دست‌یابی به آن‌ها محدود باشد، در این صورت فرد برای کسب آن ارزش، در ارزش‌های دیگر خود دخل و تصرف می‌کند و به این صورت تغییر ارزش‌ها به وجود می‌آید. مثلاً هنگامی که در یک جامعه ارزش‌های مادی گسترش یابند و نیازهای روز افزون به انواع کالاها (اتومبیل جدید، خانه جدید، اسباب بازی و...) به وجود می‌آید، اما درآمد افراد برای دست‌یابی به این کالاهای با ارزش شده کافی نباشد، افراد از قواعد و هنجارهای موجود اجتماعی پیروی نمی‌کنند، زیرا این قواعد در واقع مانند یک بند به پای آن‌ها، مانع دست‌یابی به این اهداف می‌شوند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸)

آنتونی گیدنز[1]: گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی (و از جمله تغییر ارزش‌ها) را تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع آن تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند. (استونز، ۱۳۷۹)

رونالد اینگلهارت[2]: او نظریهٔ تغییر ارزش‌ها را که دلالت بر جابه‌جایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی دارد را به توسعهٔ اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد. اینگلهارت تغییر ارزش در جوامع غرب را پیامد غیر ارادی کامیابی اجتماعی ـ اقتصادی افزایش یافته می‌داند. اینگلهارت می‌گوید: خانواده‌های ثروتمند جوانان ماتریالیست کم‌تری را نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش می‌دهند. وی یکی از عامل‌های مؤثر در کاهش ارزش‌های سنتی در جامعهٔ پیشرفتهٔ صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند. همچنین اینگلهارت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکاف ارزش‌ها را جهانی شدن ارتباطات می‌داند. وی می‌گوید: می‌بینیم که جوانان در سراسر جهان لباس جین (jeans) می‌پوشند و به

1. Anthony Giddens 2. Ronald Inglehart

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

موسیقی پاپ گوش می‌دهند. (یوسفی، ۱۳۸۳) او همچنین معتقد است تغییر ارزش‌ها روندی است که از یک نسل به نسل دیگر به وقوع می‌پیوندد، نه به طور مداوم از یک نسل به نسل دیگر. (Boehnke ,2001)

میلتون روکیچ[1]: او عوامل شکل دهندهٔ نظام ارزشی افراد را به قرار زیر بیان می‌کند: تشابهات فرهنگ، نظام اجتماعی، کاست و طبقه، جنس، شغل، تحصیل، مذهب، تربیت و تمایلات سیاسی. وی بروز تغییرات در نظام ارزشی افراد را ناشی از تأثیرات دو دستهٔ عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی و نهادهای اجتماعی می‌داند. (توکلی، ۱۳۷۸)

جمع‌بندی: مارکس معتقد است همهٔ تغییرات و تحولات از جمله سیاسی، حقوقی، فرهنگی از جمله تغییر ارزش‌ها همگی بر تحول اقتصادی استوار هستند. ولی دورکیم با استعانت از مفهوم آنومی (بی‌هنجاری) معتقد است با گذر جوامع از سنتی به صنعتی وجدان جمعی (یعنی اعتقادات، ارزش‌ها و عقاید مشترک مردم) ضعیف می‌شود و اختلال و نابسامانی در ارزش‌ها به وجود می‌آید. مرتون نیز مانند دورکیم با استفاده از مفهوم آنومی به بررسی چگونگی گسست فرد از ساخت اجتماعی می‌پردازد. او معتقد است هنگامی که اهداف جامعه یا وسایل دست‌یابی به این اهداف یا هر دو، توأماً محدود شوند و دور از دسترس باشند، در رفتار انسان‌ها، انواع اختلال‌ها از جمله تغییر در ارزش‌ها به وجود می‌آید. گیدنز منشأ دگرگونی در فرهنگ و ارزش‌ها را تضاد بین سنت و مدرنیته می‌داند و معتقد است اختلاف بین نسل‌ها و تغییر در ارزش‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعهٔ مدرن است. اینگلهارت علت تغییر ارزش‌ها را توسعهٔ اقتصادی، تحصیلات، افزایش احساس امنیت و جهانی شدن ارتباطات می‌داند. روکیچ هم علت بروز تغییرات در ارزش‌های افراد را ناشی از دو دسته عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی، نهادها و اجتماعی می‌داند.

1. Milton Rokeach

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

روش مطالعه

نوع مطالعه و روش اجرا

در این پژوهش از روش توصیفی از نوع پانل گذشته‌نگر[1] استفاده شد. پانل گذشته‌نگر روشی است که در آن اطلاعات در یک مقطع زمانی، اما در مورد دو برهۀ زمانی جمع‌آوری می‌شود، تا واقعه‌ای را که بین این دو زمان رخ داده، بررسی کند. (دوس، ۱۳۷٦) برای سنجش متغیر وابستۀ این تحقیق یعنی تغییر ارزش‌ها، ابتدا ارزش‌ها با توجه به حوزه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و مصرفی مورد سنجش قرار گرفت. بدین صورت که معرف‌های سنجش این ارزش‌ها در دو مقطع زمانی از پاسخ‌گویان سئوال گردید. سپس قدر مطلق این ارزش‌ها در دو مقطع زمانی، به عنوان تغییر ارزش‌های پاسخ‌گویان به حساب آمد. دلیل انتخاب گزینۀ قدرمطلق، ماهیت این تحقیق است. منظور از قدر مطلق این است که اگر از پاسخ‌گویی شود، نظرش را در گذشته در مورد یک مسئله بر روی یک طیف که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف مشخص شده، بیان کند و سپس در مورد این مسئله، نظرش را در حال حاضر بگوید، آن زمان هر قدر این دو جواب به هم نزدیک‌تر باشند، قدرمطلق پایین‌تر و هر قدر این پاسخ‌ها تشابه کم‌تری با هم داشته باشند، قدر مطلق یا تغییر پاسخ‌ها بیش‌تر خواهد بود.

جامعۀ آماری و روش نمونه‌گیری

جامعۀ آماری این تحقیق را کلیۀ جوانان دختر و پسر استان همدان در سال ۱۳۸۵ تشکیل می‌دادند، که انتخاب نمونه‌ها (در بهار ۸۵) و انجام تحقیق حاضر نیز در همین سال انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری نمونه‌ها هم نمونه‌گیری خوشه‌ای[2] است. حجم نمونه هم با استفاده از واریانس متغیر وابسته در جامعۀ آماری و فرمول کوکران ۳۸۰ نفر تعیین گردید.

1. retrospective panel design 2. cluster sampling

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

ابزار مطالعه

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته است. برای محاسبهٔ میزان قابلیت اعتماد سئوالات از روش آلفای کرونباخ[1] استفاده شد که مقدار ۰/۸۷ به دست آمد. برای بالا بردن قابلیت اعتماد[2] سئوالات پرسش‌نامه در این تحقیق اقدامات زیر صورت گرفت:

۱) سعی شد که سئوالات به طور واضح و روشن طرح گردند و به جای شاخص‌های یک گویه‌ای از شاخص‌های چندگویه‌ای استفاده گردید.

۲) سعی شد که در زمان کدگذاری سئوالات، به یک سئوال واحد کدهای متفاوتی داده نشود.

همچنین برای بالا بردن اعتبار[3] تحقیق، اقدامات زیر صورت گرفت:

۱) سعی شد همهٔ افراد جامعهٔ آماری شانس برابری برای انتخاب شدن داشته باشند و افکار پرسش‌گران خواسته یا ناخواسته به پاسخ‌گویان تلقین نشود.

۲) سعی شد متغیر وابسته به صورت دقیق مورد اندازه‌گیری قرار گیرد و از آزمون‌هایی که قدرت اکتشافی بالایی دارند، استفاده شود.

۳) سعی شد حجم نمونه کافی باشد و نمونه‌ها معرف کامل جامعهٔ آماری باشند.

تعریف عملیاتی متغیرها

جنسیت[4]: تفاوت‌های بیولوژیک و آناتومیک که زنان را از مردان متمایز می‌سازد. (گیدنز، ۱۳۷٦) در این تحقیق منظور از جنسیت، مرد یا زن بودن پاسخ‌گو است.

سن[5]: تعداد سال‌ها و ماه‌ها و احیاناً روزهایی است که از عمر یک فرد می‌گذرد. (تقوی، ۱۳۷٤) سن پاسخ‌گو در زمان تکمیل پرسش‌نامه از زمان تولد بر حسب سال هجری شمسی مشخص گردید.

1. cronbach's alpha method 2. reliability 3. validity 4. sexuality 5. age

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

وضعیت تأهل: منظور از وضعیت تأهل وضع زناشویی جوانان در زمان تکمیل پرسش‌نامه است.

تحصیلات: تعلیماتی است که طی برنامه‌های مختلف رسمی دولت به مردم داده می‌شود و در پایان آن مدرکی ارائه می‌گردد. (کورمن، ۱۳۷۰) در این تحقیق منظور از تحصیلات، بالاترین مدرک تحصیلی است که شخص در یکی از مراکز آموزش رسمی کشور کسب کرده است.

تعداد اعضای خانواده: منظور، تعداد کلیهٔکسانی است که با همدیگر رابطهٔخویشاوندی داشته، در یک خانه زندگی می‌کنند و دخل و خرجشان یکی است.

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی[1]: منظور از میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان ساعاتی است که فرد در شبانه روز صرف تماشای تلویزیون، ماهواره، گوش دادن به رادیو، مطالعهٔ روزنامه، مجله، کتاب و ... می‌کند.

فردگرایی[2]: بیان‌گر تمایل فرد به تفوق ارادهٔ فردی، آزادی و منافع فردی و برخورداری از مالکیت فردی و مواهب بر حسب میزان تلاش فردی و قابلیت‌ها و استعدادهای شخصی می‌باشد. (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ٦٩) فردگرایی حالتی است که در آن اندیشه و رفتارهای فرد در جهت ارضای خواسته‌های شخصی است، بدون توجه به خواسته‌های دیگران که این حالت معمولاً با خودخواهی، خودمداری و... همراه است. مثلاً شخص ترجیح می‌دهد کارهای خود را به تنهایی انجام دهد، در کارهای گروهی شرکت نکند و...

تضاد خانوادگی[3]: تضاد خانوادگی وجود روابط سرد و غیر صمیمی بین اعضای خانواده (والدین با هم، والدین با فرزندان، فرزندان با همدیگر یا ترکیبی از این حالات) است که مانع از به کارگیری پتانسیل مثبت خانواده می‌گردد و نقطهٔ مقابل انسجام خانوادگی است. مثل این که اعضای خانواده ارتباط کلامی کم‌تری با همدیگر داشته باشند،

1. mass media 2. individualism 3. family conflict

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

کم‌تر با همدیگر بگویند و بخندند و موقعی که پیش هم هستند حرفی برای گفتن با هم نداشته باشند و در شکل حاد آن نسبت به همدیگر پرخاشگری نمایند. (یوسفی، ۱۳۸۳)

تشتت ارزشی[1]: رویارویی ارزش‌ها در جامعه‌ای که در آن بسیاری از گروه‌های مختلف درصدد گستراندن ارزش‌های خاص خود در سطح جامعه هستند و فرد در چنین جامعه‌ای دچار سردرگمی و پذیرش ارزش‌های والدین یا ارزش‌های غیر والدین موجود در محیط می‌شود. (همان) پس منظور از تشتت ارزشی، ارزش‌هایی است حول یک موضوع، که با همدیگر تناقض داشته باشند. مانند این‌که نظر پدر در خصوص گوش دادن به نوع موسیقی با دیدگاه گروه دوستان یا برداشت از رسانه‌ها اختلاف داشته باشد.

طبقهٔ اجتماعی[2]: وبر معتقد است یک طبقهٔ تشکیل شده از افرادی که دارای توانایی‌های مشابه برای به دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی، کالا و خدمات برای خودشان و التذاذ از آن‌ها، از طریق شیوهٔ مناسب زندگی هستند. (ترنر، ۱۳۷۱) طبقهٔ اجتماعی به وسیلهٔ معرف‌های زیر عملیاتی شد: درآمد خانواده، تحصیلات والدین، شغل والدین، نوع مسکن و بهره‌مندی از امکانات (اتومبیل، کامپیوتر و ...).

تغییر ارزش‌ها[3]: در این تحقیق منظور از تغییر ارزش‌ها، تغییر در علایق، خواسته‌ها، ترجیحات، مطلوب‌ها، کمبودها، نیازها، جذبه‌ها و دیگر ویژگی‌های گزینشی (sills, 1968) در ابعاد دینی (شرکت در نماز جمعه، زیارت اماکن مذهبی، شرکت در عزاداری‌ها و اعیاد مذهبی و.....)، سیاسی (رضایت از توسعهٔ دمکراسی در کشور، میزان علاقه به سیاست، میزان ضرورت سیاست از دید پاسخ‌گو و ...)، اجتماعی (قابل اعتماد بودن مردم، میزان موجه بودن رشوه، فحشا و خود فروشی و...) و مصرفی (تجملاتی بودن مراسم عروسی آدم، نوع لباس، ماشین مورد علاقه و....) پاسخ‌گویان می‌باشد. که با پرسش‌نامهٔ محقق ساخته در مقیاس فاصله‌ای با درجات خیلی زیاد، زیاد، تاحدودی، کم و خیلی کم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

1. value pluralism 2. social class 3. value changes

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

روش تجزیه وتحلیل داده‌ها:

مهم‌ترین دستورهای استفاده شده در این تحقیق عبارت بودند از:

۱) آزمون تی استیودنت

۲) تحلیل واریانس یک طرفه

۳) رگرسیون خطی ساده

٤) تحلیل رگرسیون چند گانه

۵) تحلیل مسیر

مدل تحقیق: مدل تحقیق در زیر ارائه شده است:

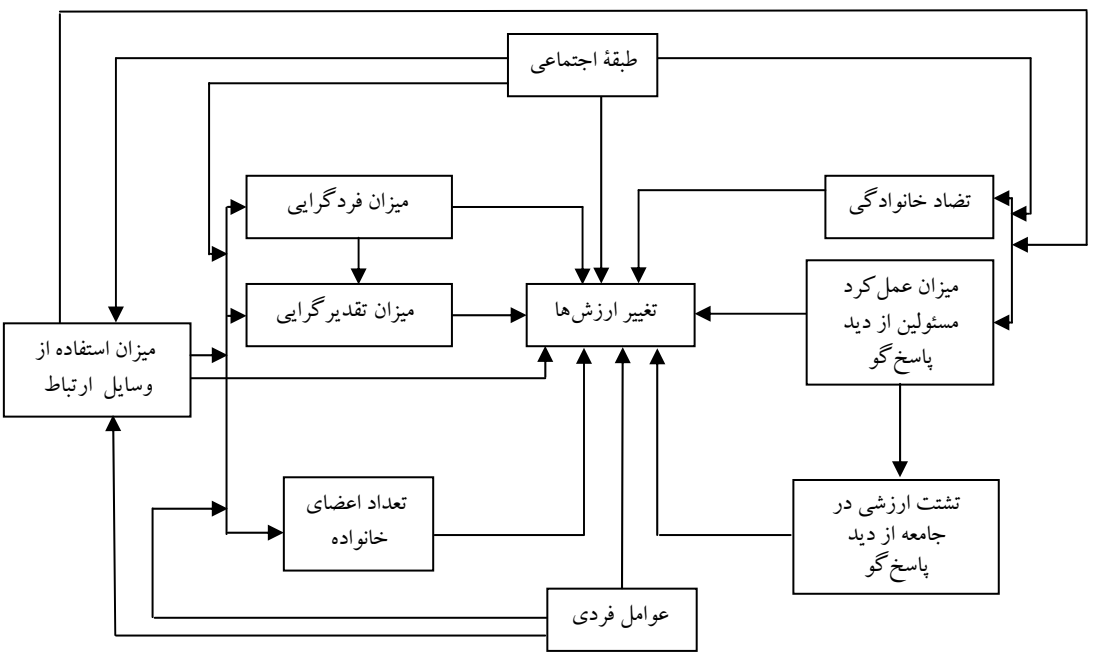

شکل ۱: مدل تحقیق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

یافته‌ها

تحلیل یک متغیری

۱) در زمینهٔ سنخ ارزشی پاسخ‌گویان نتایج نشان می‌دهند که، ۷۶/۳۲درصد پاسخ‌گویان در زمان گذشته التقاطی، ۷/۱۱ درصد فرامادی و ۱۶/۵۸ درصد مادی بوده‌اند. این درحالی است که در زمان حال ۵۵/۷۹ درصد التقاطی، ۳/۶۸ درصد فرامادی و۴۰/۵۳ درصد مادی هستند. بنابر این می‌توان گفت که سنخ ارزشی پاسخ‌گویان از فرامادی به مادی تغییرکرده است.

۲) به طورکلی در مورد تغییر ارزش‌ها باید گفت که، ۲۱/۳۲ درصد پاسخ‌گویان تا حدودی ارزش‌هایشان تغییر کرده است. این در حالی است که۲۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان ارزش‌هایشان خیلی کم، ۳۲/۳۷ درصد کم و ۷/۸۹ درصد زیاد تغییر کرده است. همچنین۹/۲۱ درصد پاسخ‌گویان هیچ گونه تغییری در ارزش‌هایشان به وجود نیامده است.

تحلیل دو متغیری

در این بخش به آزمون فرضیات تحقیق می‌پردازیم:

۱) در مورد رابطهٔ تغییر ارزش‌های دینی و متغیرهای مستقل، نتایج نمایان‌گر آن هستند که، تغییر ارزش‌های دینی با متغیرهای تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گو دارای رابطهٔ مستقیم (مثبت) و با متغیرهای میزان عمل‌کرد مسئولین از دید پاسخ‌گو و میزان تقدیرگرایی دارای رابطهٔ معکوس (منفی) است. همچنین تغییر ارزش‌های دینی با متغیر جنسیت دارای رابطهٔ معنادار است.

۲) در زمینهٔ رابطهٔ تغییر ارزش‌های اجتماعی و متغیرهای مستقل، یافته‌ها نشان می‌دهند که، تغییر ارزش‌های اجتماعی با متغیرهای تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گو و میزان عمل‌کرد مسئولین از دید پاسخ‌گو دارای رابطهٔ مستقیم و با متغیر میزان تقدیرگرایی دارای رابطهٔ معکوس است. همچنین تغییر ارزش‌های اجتماعی با متغیر جنسیت دارای رابطهٔ معنادار است.

۳) در مورد رابطهٔ تغییر ارزش‌های سیاسی و متغیرهای مستقل، نتایج بیان‌گر آن هستند که تغییر ارزش‌های سیاسی با متغیرهای تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گو دارای رابطهٔ مستقیم (مثبت) و با متغیرهای میزان عمل‌کرد مسئولین از دید پاسخ‌گو و میزان تقدیرگرایی دارای رابطهٔ معکوس (منفی) است. همچنین تغییر ارزش‌های سیاسی با متغیر جنسیت دارای رابطهٔ معنادار است.

٤) درمورد رابطهٔ تغییر ارزش‌های مصرفی و متغیرهای مستقل یافته‌ها نشان می‌دهند که، تغییر ارزش‌های مصرفی با متغیرهای تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گو دارای رابطهٔ مستقیم (مثبت) و با متغیرهای میزان عمل‌کرد مسئولین از دید پاسخ‌گو و میزان تقدیرگرایی دارای رابطهٔ معکوس (منفی) است. همچنین تغییر ارزش‌های مصرفی با متغیر جنسیت دارای رابطهٔ معنادار است.

۵) در مجموع می‌توان گفت که تغییر ارزش‌ها با متغیرهای تحصیلات، طبقهٔ اجتماعی، تعداد اعضای خانواده، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی، میزان تضاد خانوادگی، میزان تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گو دارای رابطهٔ مستقیم (مثبت) و با متغیرهای میزان عمل‌کرد مسئولین از دید پاسخ‌گو و میزان تقدیرگرایی دارای رابطهٔ معکوس است. همچنین تغییر ارزش‌ها با متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل دارای رابطهٔ معنادار است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

تحلیل چند متغیری

رگرسیون چندمتغیری: رگرسیون چند متغیر روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل (x) در تغییرات یک متغیر وابسته (y). در این تحقیق از رگرسیون چند متغیری با روش قدم به قدم[1] استفاده گردید که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱: تحلیل واریانس بین متغیرهای مورد بررسی

	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	نسبت F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۱٤/۰۲۷	٦	۳۲/۲۲۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۳۳/۷٦۳	۳۷۳		
کل	٤٤۷/۷۸۹	۳۷۹		

جدول ۲: ضریبb، ضریب بتا، ضریب همبستگی چند متغیری و ضریب تعیین چند متغیری بین متغیرهای مورد بررسی

	ضریب b	ضریب بتا	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین
عرض از مبدأ	-۱/۵۸۳	.....	۰/۰۰۰	.....	.....
جنسیت (x_1)	۰/۸۳۹	۰/۳۸٦	۰/۰۰۰	۰/٥٦٤	۰/۳۱۸
میزان فردگرایی (x_2)	۰/۱٦۳	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۰/٦۲۸	۰/۳۹٥
تحصیلات (x_3)	۰/۰٦۰	۰/۱۷٦	۰/۰۰۰	۰/٦٥۷	۰/٤۳۱
تعداد اعضای خانواده (x_4)	۰/۱۰۸	۰/۱٦٤	۰/۰۰۰	۰/٦۷٤	۰/٤٥٥
میزان تضاد خانوادگی (x_5)	۰/۱۳٥	۰/۱۳۷	۰/۰۰۲	۰/٦۸٦	۰/٤۷۰
طبقهٔ اجتماعی (x_6)	۰/۱٦۳	۰/۰۹۲	۰/۰۱۸	۰/٦۹۱	۰/٤۷۸

نتایج نشان می‌دهندکه از تمام متغیرهای مورد بررسی فقط شش متغیر مستقل در معادلهٔ رگرسیون چند متغیری باقی مانده‌اند. متغیرهای وارد شده در معادلهٔ رگرسیون چند متغیری

1. stepwise

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مجموعاً ۰/٤۷از واریانس تغییر ارزش‌ها را تبیین می‌کنند و۰/۵۳ باقیمانده از واریانس متغیر تغییر ارزش‌ها به وسیلهٔ عواملی غیر از آن چه در این تحقیق بررسی شده‌اند، تبیین می‌شود. معادلهٔ رگرسیون برای شش متغیر چنین است:

$$y=۰/۳۸٦\ x_۱ +۰/۱۸۷\ x_۲ +۰/۱۷٦\ x_۳ +۰/۱٦٤\ x_۴ +۰/۱۳۷\ x_۵ +۰/۰۹۲\ x_۶$$ (تغییر ارزش‌ها)

تحلیل مسیر[1]: تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون کاربردی است که از آن برای آزمون مدل تحلیلی تحقیق استفاده می‌شود. با استفاده از تحلیل مسیر می‌توانیم تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل را در متغیر وابسته مطالعه کنیم. ضریب همبستگی و ضریب تعیین بین متغیرهای مورد بررسی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳: ضریب همبستگی، ضریب تعیین، نسبت F
و سطح معناداری بین متغیرهای مورد بررسی

نسبت F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۳۲/۲۲۲ (sig =۰/۰۰۰)	۰/٤۷ (sig =۰/۰۰۰)	۰/٤۹ (sig =۰/۰۰۰)	۰/۷۰ (sig =۰/۰۰۰)

براساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده که درحقیقت همان ضرایب مسیر می‌باشند، نمودار مسیر برای متغیر تغییر ارزش‌ها به شکل زیر نمایش داده می‌شود:

1. path analysis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

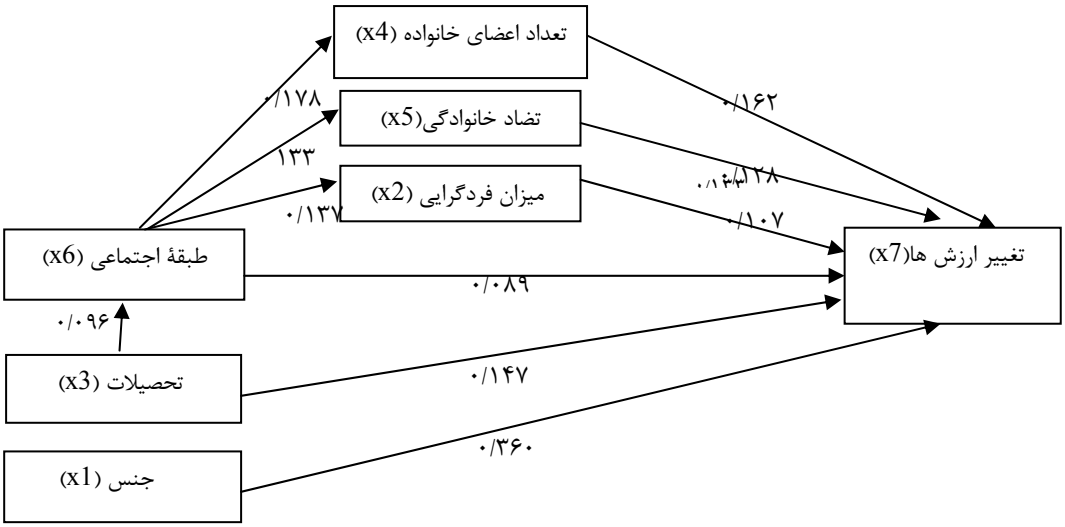

شکل ۲: دیاگرام مسیر همراه با ضرایب مسیر برای متغیرهای مورد بررسی

حال به محاسبهٔ تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌پردازیم. مجموع تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ٤: مجموع تأثیرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرمستقل	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	مجموع تأثیرات
طبقهٔ اجتماعی	۰/۰٦۰٤	۰/۰۸۹	۰/۱٤۹٤
تحصیلات	۰/۱۱۹۹	۰/۱٤۷	۰/۲٦٦۹
جنسیت	۰	۰/۳٦۰	۰/۳٦۰
تضاد خانوادگی	۰	۰/۱۲۸	۰/۱۲۸
فردگرایی	۰	۰/۱۰۷	۰/۱۰۷
تعداد اعضای خانواده	۰	۰/۱٦۲	۰/۱٦۲

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در تحقیقات اجتماعی معمولاً شناسایی همهٔ عوامل مؤثر بر متغیر وابسته برای محقق امکان‌پذیر نیست. در تحلیل مسیر آن چه که به عنوان عوامل ناشناخته باقی می‌ماند کمیت خطا نامیده می‌شود و آن را با **e** نشان می‌دهند. کمیت خطا نشان دهندهٔ میزان واریانسی از متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین نشده‌اند. برای محاسبهٔ کمیت خطا از ضریب تعیین استفاده می‌کنیم. برطبق جدول شمارهٔ سه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/٤۷ شد. بنابراین مقدارکمیت خطا برابر است با:

$۱-R^2 = \mathbf{e}$

۱-۰/٤۷= ۰/۵۳

این مقدار به ما می‌گوید **۵۳** درصد واریانس متغیر تغییر ارزش‌ها به وسیلهٔ متغیرهایی به جز متغیرهای مستقل این تحقیق تبیین می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

اینگلهارت معتقد است تحصیلات هر چند علت اصلی در تغییر ارزش‌ها نیست، ولی یکی از علت‌های مهم آن است. به نظر اینگلهارت (Inglehart 1999,) و آلوین (Alwin,1990) افراد تحصیل کرده بیش‌تر فرامادی هستند. برطبق یافته‌های این تحقیق همسو با نظرات اینگلهارت و آلوین، تحصیلات از جمله عواملی است که بر تغییر ارزش‌ها تأثیر دارد. تحصیلات باعث ایجاد اشکال جدیدی از نظرات و درک از جهان می‌شود و باعث اسطوره‌زدایی می‌گردد و سرانجام قضاوت‌ها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی را به هنجارهای خاصی مبدل می‌کند.

فونر (Foner, 1974)، جاکوبسن و همکاران (Jacobsen ,et al: 1975) به رابطهٔ بین طبقهٔ اجتماعی و عدم توافق ارزشی پدران و پسران و تغییر ارزش‌های این دو نسل اشاره دارند. نتایج این تحقیق همسو با نظرات آن‌ها نشان می‌دهد که تغییر ارزش‌ها در طبقات پایین بیش‌تر از طبقات بالا می‌باشد. این شاید به علت احساس محرومیت نسبی در طبقات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

پایین باشد. بدین صورت که اگر در یک جامعه (از جمله ایران) یک مقیاس ارزشی مثلاً، ثروت به نمایش گذاشته شود و این نمایش تشویق هم شود، آن پدیده به خاطر احساس محرومیت نسبی، فشار هنجاری و... در جامعه گسترش می‌یابد و از این طریق کم کم ارزش‌های معنوی مثل قناعت، ساده زیستی و... تغییر کرده و جای آن‌ها را ثروت و مادیات می‌گیرد. با توجه به همین مسئله است که اینگلهارت در مورد طبقهٔ اجتماعی، به تأثیر کمیابی در تغییر ارزش‌ها اشاره می‌کند. به نظر او خانواده‌های ثروتمند در مقایسه با خانواده‌های فقیر، جوانان ماتریالیست کم‌تری را پرورش می‌دهند. به عقیدهٔ ماریسا فراری (Marisa Ferrari,2000) درگیری ارزش‌ها و تغییر ارزش‌های افراد در جامعهٔ تشتت گرا (کثرت گرا) بیش‌تراست و بیش‌تر هم شده است و گروه‌های فشار می‌خواهند ارزش‌های خودشان را در جامعه مسلط کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد تشتت ارزشی در جامعه از دید پاسخ‌گویان نیز از عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌های جوانان بوده است. از سویی دیگر گسترش روحیهٔ فردگرایی عامل مؤثر بر جداشدن افراد جامعه از یکدیگر و به حال خود رها شدن افراد و گرایش آن‌ها به بیگانگان می‌شود. پیرسون و همکاران (pearson, et al 1999,) معتقدند تضاد خانوادگی با آزادی، نیاز جوانان به خود مختاری رابطه دارد. نتایج این تحقیق هم تأیید کنندهٔ نظرات آن‌ها می‌باشد. فالت (phalet ,et al ,2001) بر نقش جنسیت در انتقال یا عدم انتقال ارزش‌ها تأکید دارد. همچنین جاکوبسون و همکاران (Jacobsen , et al: 1975) معتقدند که تغییر ارزش‌ها و عدم توافق ارزشی فرزندان و والدین در فرزندان مؤنث بیش‌تر است. در تأیید نظرات آن‌ها نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تغییر ارزش‌های دختران کم‌تر از تغییر ارزش‌های پسران بوده است. این شاید به علت نقش، جایگاه، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی متفاوتی باشد که در جامعه به دو جنس داده می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

پیشنهادات

۱) به معلمان و دبیران و اساتید، آموزش‌هایی دربارهٔ راه‌های ایجاد و تقویت ارزش‌های مذهبی، ملی و بومی در دانش آموزان و دانشجویان داده شود. همچنین در کتب دبستان، دبیرستان و ... درس‌هایی در این زمینه‌ها طرح گردد.

۲) به مسئولین توصیه می‌شود که از طریق وسایل ارتباط جمعی، سخنرانی‌ها و... خانواده‌ها را در زمینهٔ عوارض تضاد در خانواده آگاه کرده و آن‌ها را تشویق به داشتن رابطهٔ سالم در محیط خانواده نمایند، تا فرزندان آن‌ها، پدر و مادر خود را به عنوان گروه مرجع و الگوی خود قرار داده و سعی در درونی کردن ارزش‌های آن‌ها نمایند و از رجوع جوانان به گروه‌های مرجع دیگر، مخصوصاً گروه‌های منحرف و به تبع آن ارزش‌های آن‌ها جلوگیری کنند.

۳) مسئولین باید تعارضاتی که بین ارزش‌های اسلامی (مذهبی) با ارزش‌های ایرانی (ملی) و ارزش‌های غربی وجود دارد، را از بین ببرند. تا جوانان احساس وجود تشتت ارزشی در جامعه نکنند. زیرا احساس بی‌هویتی و سوء فهم در هویت خویش، جوانان را در خلاء سرگردان می‌کند. در حال حاضر در جامعه سه نوع ارزش (ملی، غربی و مذهبی) شکل گرفته و گروه‌های وابسته به این ارزش‌ها هر کدام، تأکید یک سویه‌ای بر یکی از این ارزش‌ها دارند، ولی تبعات زیان بار تأکید یک سویه بر هرکدام از این ارزش‌ها (= کاهش همبستگی اجتماعی) در طول تاریخ ایران به اثبات رسیده است. بنابراین مسئولین باید با توجه به مبانی هویتی دیرینهٔ ایران (اسلامی ـ ایرانی) و برجسته کردن ارزش‌های مذهبی و ارزش‌های سنتی ایرانی که هیچ تعارضی با ارزش‌های مذهبی ندارد و حتی زیربنای آن ارزش‌ها، ارزش‌های مذهبی هستند، شرایطی مناسبی برای سنتز درست بین این ارزش‌ها را فراهم کنند، تا جوانان به جای آن که به ارزش‌های بیگانه روی آورند و به ارزش‌های خودی به دیده اکراه بنگرند، به ارزش‌های اسلامی- ایرانی خود افتخار کنند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

٤) مسئولین باید در رسانه‌ها به جای نمایش ارزش‌های مادی (مثل گوشی موبایل، ماشین و...) با رجوع به ارزش‌های ایرانی و اسلامی این سرزمین، به نمایش ارزش‌های معنوی و فرامادی (مثل گذشت، ایثار، ساده زیستی و...) بپردازند. به طور کلی می‌توان گفت، در قرن حاضر که حرکت جوامع به سوی دهکدهٔ جهانی شتاب بیش‌تری گرفته، جوامعی که از رسانه‌های جمعی به نحو بهتری استفاده کنند، موفق‌تر خواهند بود و خواهند توانست ارزش‌های جوامع خود را در جهان گسترش دهند. بنابراین مسئولینی که بر وسایل ارتباط جمعی نظارت دارند، باید از طریق رسانه‌ها به اشاعه و تقویت ارزش‌های اسلامی ـ ایرانی در جامعه اهتمام ورزند، تا افراد جامعه، اولاً، فقط به ارزش‌های خودی رجوع کنند، ثانیاً، احساس تعلق اجتماعی افراد جامعه افزایش یابد. این آگاهی مردم از متعلق بودن به یک کل، یعنی جامعه باعث می‌شود کم کم فرهنگی کلی بر اساس ارزش‌های این سرزمین شکل گیرد و افراد حتی با دیدگاه‌های مختلف با همدیگر تشابه فکری و حتی ظاهری پیدا کنند. به عبارت دیگر فرآیند «توده‌سازی یا جمع‌سازی» در جامعه شکل گیرد.

٥) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان اداره‌ای که بر روی برخی از رسانه‌های جمعی از جمله کتاب، مجلات، روزنامه و... کنترل دارند، باید نظارت بیش‌تری بر این رسانه‌ها اعمال کند و به مجلات، کتب و... که به ترویج ارزش‌های بیگانه و طرد ارزش‌های اسلامی– ایرانی می‌پردازند، اجازه انتشار و فعالیت ندهد و از سویی دیگر به کتب، مجلات، روزنامه‌ها و...که می‌خواهند در راستای ترویج و اشاعهٔ ارزش‌های بومی، ملی و اسلامی حرکت کنند، خیلی سریع‌تر و راحت‌تر مجوز صادرکند و امتیازات بیش‌تری برای آن‌ها در نظر گیرد. مسئولین صدا و سیما نیز باید به ساخت و تولید برنامه‌هایی که در راستای ارزش‌های مذهبی، ملی و بومی و تقویت آن‌ها حرکت می‌کند، اقدام نماید و از تولید و پخش برنامه‌هایی که ارزش‌های بومی و محلی را تخریب می‌کنند، جلوگیری به عمل آورد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلام رضا، (۱۳۸۳)، **جامعه شناسی نسلی در ایران**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- استونز، راب، (۱۳۷۹)، **متفکران بزرگ جامعه شناسی**، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ترنر، جاناتان اچ، (۱۳۷۱)، **پیدایش نظریه جامعه شناسی**، ترجمه عبدالعلی لهسائی زاده، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۷٤)، **مهاجرت‌های روستا ـ شهری**، تبریز، انتشارات ستوده.
- توکلی، مهناز، (۱۳۷۸)، «**بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران**»، دانشگاه آزاد اسلامی، رساله کارشناسی ارشد.
- جانسون، چالمرز، (۱۳٦۳)، **تحول انقلابی: بررسی نظری پدیده انقلاب**، ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- دوس، دی. ای، (۱۳۷٦)، **روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی**، ترجمه مریم رفعت جاه و رخساره کاظم، تهران: مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، **آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۵)، **وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی: پژوهشی در مورد چند فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات**، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۷٤)، **مقدمه‌ای برآسیب شناسی اجتماعی**، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سوم.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۲)، **جامعه شناسی ارزش‌ها**، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن، (۱۳۷۸)، **تحولات فرهنگی در ایران**، تهران: انتشارات روشن، چاپ اول.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- کورمن، آبراهام، (۱۳۷۰)، **روانشناسی صنعتی**، ترجمه حسین شکرشکن، تهران: انتشارات رسته، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷٦)، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشرنی، چاپ سوم.
- لاور، رابرت اچ، (۱۳۷۳)، **دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی**، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- معیدفر، سعید، (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران**، تهران: انتشارات سرزمین ما، چاپ اول.
- یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳)، **شکاف بین نسل‌ها**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- Alwin , Duane F;(1990) , cohort replacement and changes in parental socialization values, **Journal of Marriage and the Family** .
- Boehnke, Klaus; (2001), Parent-offspring value transmission in a societal context, **Journal of Cross-Cultural Psychology**, Vol.32, No .2.
- Foner, Anne; (1974), age stratification and age conflict in political life, **American Sociological Review**, Vol.39.
- Inglehart , Ronald and Abramsion , Paul E ; (1999) , Measuring postmaterialism ,**American Political Science Review** ,Vol .93 ,No .3.
- Jacobsen, R. Brooke and Berry , kenneth .J; (1975) ,an empirical test of the generation gap: a comparative interfamily study, **Journal of marriage and the family** , vol .37 .
- Marisa Ferrari , Occhionero ; (2000) , Generations and value change across time , **International Review of Sociology** , vol .10 , Issue 2 .
- pearson ,kaileen L.and Love , Anthony w ;(1999) ,Adolescents value system,Preferred resolution strategies and conflict with parents, **Australian journal of psychology** ,Vol. 51 , No. 2.
- phalet, Karen and Schonpflug Ute ;(2001), Intergeneratioan Transmission of collectivism and achievement values in two acculturation contexts ,**Journal of Cross-cultural Psychology** ,Vol.32 .No. 2.
- Sills, David, (1968), **international encyclopedia of the social sciences**, vol 16, Macmillan company & the frees,.
- Woods, Glyden.M ; (1975) , **culture change,** dubugue, towa: w.c.brown.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]